

زیارت اربعین و حکمرانی مشارکتی؛ الگوی تمدنی از مشارکت مردمی در بستر شعائر دینی

محمد حسین پورامینی*

چکیده

زیارت اربعین یکی از بزرگ‌ترین اجتماعات دینی در جهان اسلام و نمود بارزی از هم‌بستگی اجتماعی، تعاون مردمی و مشارکت داوطلبانه است که می‌تواند الگوی عملی حکمرانی مشارکتی را در بستر فرهنگی و دینی به دست دهد. این مقاله تلاش می‌کند با تحلیل ابعاد اجتماعی، مدیریتی و معرفتی این آیین ظرفیت‌های آن را برای طراحی و تبیین الگوی حکمرانی اسلامی مشارکتی بررسی کند. مقاله با بهره‌گیری از منابع دینی، تجربه‌های میدانی و مطالعات میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که مشارکت داوطلبانه، نظم خودجوش، خدمت‌رسانی بی‌مزد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی زائران و موکب‌داران در مسیر اربعین جلوه‌ای از حکمرانی برآمده از ایمان و اراده مردمی است. در این جهت الگوی اربعین می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌گذاری‌هایی باشد که بر شفافیت، اعتماد متقابل و مشارکت واقعی مردم در اداره امور جامعه تأکید می‌کند. این نوشتار در پی آن است که اربعین را نه صرفاً آیینی دینی بلکه بستری برای بازاندیشی در شیوه‌های حکمرانی بر پایه ارزش‌های اسلامی معرفی کند.

کلیدواژگان: زیارت اربعین، حکمرانی مشارکتی، سرمایه اجتماعی، تمدن اسلامی.

*. پژوهشگر فقه سیاسی و دکتری حقوق بین‌الملل .

در عصر حاضر تحول در الگوهای حکمرانی به یکی از مباحث بنیادین سیاست، حقوق، مدیریت و حتی اقتصاد تبدیل شده است. مفاهیمی همچون «حکمرانی مشارکتی» پاسخی به چالش‌های ناکارآمدی، تمرکزگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی و گسست دولت - ملت است و روزه‌به‌روز در ادبیات نظری و کاربردی جایگاه پررنگ‌تری می‌یابد. این الگو بر خلاف حکمرانی سنتی، که عمدتاً بر اقتدار بالا به پایین و سلسله‌مراتب بروکراتیک استوار است، بر مشارکت واقعی مردم در فرایند تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت تأکید می‌کند. ویژگی‌هایی چون شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت رویه‌ای، مسئولیت‌پذیری جمعی و اعتماد اجتماعی از شاخص‌های بنیادین حکمرانی مشارکتی است.

در این میان یکی از خلأهای محسوس در بحث حکمرانی مشارکتی توجه نکردن به ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و تمدنی جوامع غیر بومی در ارائه مصادیق بدیل یا مکمل برای الگوهای سکولار غربی است؛ به عبارت دیگر حکمرانی مشارکتی اغلب در قالب مفاهیم مدرن و عمدتاً غرب‌محور تحلیل می‌شود و از نقش سنت‌ها، شعائر و مناسک دینی در بازتولید رفتارهای مشارکتی و شکل‌دهی به نظم اجتماعی غفلت می‌شود. این در حالی است که شعائر مذهبی در جوامع دینی می‌توانند نه تنها بستری برای کنش معنوی بلکه فضاهایی برای تمرین الگوهای مشارکتی و بازتولید سرمایه اجتماعی تلقی شوند.

یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه پدیده «زیارت اربعین» است. مراسم اربعین حسینی، که هر ساله با حضور بیش از بیست میلیون زائر از کشورهای گوناگون جهان به سوی کربلای حسینی برگزار می‌شود، از نظر حجم مشارکت، مقیاس اجتماعی، نظم درون‌زا و پویایی فرهنگی بزرگ‌ترین گردهمایی مذهبی در جهان به شمار می‌رود. نکته درخور تأمل آن است که این مراسم بر خلاف گردهمایی‌های رسمی یا دولتی فاقد ساختار بروکراتیک کلاسیک است و عمدتاً بر پایه خودسازماندهی مردمی، همکاری داوطلبانه، اعتماد متقابل و انگیزه‌های معنوی استوار است. پدیده‌هایی چون موبک‌داری، خدمات‌رسانی

به زائران، امنیت جمعی، مدیریت بحران‌های احتمالی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز زائران با پیشینه‌های فرهنگی و ملی متفاوت همگی مؤید نوعی «حکمرانی مشارکتی» بومی، دینی و فرهنگی در دل آیینی مذهبی است.

بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان پدیده زیارت اربعین را، که نمونه عینی حکمرانی مشارکتی است، در بستر دینی تحلیل کرد؟ آیا می‌توان از این تجربه الگویی الهام‌بخش برای حکمرانی اسلامی و مردمی در سطح کلان به دست آورد؟ زیارت اربعین چگونه ظرفیت‌های خود را برای نهادینه‌سازی کنش مشارکتی، تقویت اعتماد اجتماعی و خلق نظم خودجوش به نمایش می‌گذارد؟

از منظری دیگر بررسی زیارت اربعین تجربه‌ای از حکمرانی مشارکتی است که می‌تواند افق‌های تازه‌ای در مطالعات اسلامی حکمرانی بگشاید و نشان دهد که چگونه آموزه‌های دینی، مناسک آیینی و کنش‌های جمعی مؤمنانه می‌توانند در تقویت ساختارهای حکمرانی نقش آفرینی کنند؛ از این رو بازاندیشی در نسبت دین و حکمرانی نه از موضع تقابل بلکه از منظر هم‌افزایی و کارکردگرایی می‌تواند به کشف ظرفیت‌های مغفول در متون دینی و شعائر اسلامی برای پاسخ‌گویی به مسائل نوظهور جامعه بینجامد.

۱. چارچوب مفهومی

الف) حکمرانی

تحولات جهانی پس از جنگ جهانی دوم موجب دگرگونی عمیقی در ساختارهای سیاسی، نظری و فناورانه نظام بین‌الملل شد. این تحولات بازتعریفی اساسی در مفهوم و کارکرد «حکمرانی» به همراه داشت. ظهور فناوری‌های جدید موجب دگرگونی در مناسبات قدرت، فرایندهای تصمیم‌سازی و شیوه‌های اداره جامعه شد. این پیشرفت‌ها با تحولات نظری در علوم اجتماعی و تحول مفهوم دولت-ملت همراه بود؛ به گونه‌ای که رویکردهای تمرکزگرا و بروکراتیک سنتی به چالش کشیده شد و ضرورت بازاندیشی در الگوهای حکمرانی

احساس شد.

در همین جهت فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تزلزل هژمونی ایالات متحده آمریکا، دو قطب ایدئولوژیک قرن بیستم، نقطه عطفی در بازنگری نظم بین‌المللی و اصول اداره جوامع به شمار می‌رفت. در چنین فضایی ایده‌هایی همچون «پایان تاریخ» (فوکویاما) و «برخورد تمدن‌ها» (هانتینگتون) به تدریج از مرکز گفتمان جهانی کنار رفتند و الگوهای جدید حکمرانی با تأکید بر مشارکت، شفافیت و پاسخ‌گویی به میدان آمدند.

در این چارچوب، متفکران مختلف مفهوم «حکمرانی» را با تفاسیر متعددی بازتعریف کردند؛ برای نمونه مارک بیور حکمرانی را در معنای گسترده آن مجموعه‌ای از فرایندهای حکمرانی می‌داند که نه فقط نهادهای دولتی بلکه بازیگران خصوصی و داوطلبانه را نیز در بر می‌گیرد (Bevir, 2012, p. 11). به تعبیر گای پیترز حکمرانی نوعی راهبری کلان بر اقتصاد و جامعه است که از طریق طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی محقق می‌شود (Peters, 2022, P. 15). ژوپ کوپنجان نیز حکمرانی را به مثابه کنش جمعی در شبکه‌ای از کنشگران می‌بیند که برای حل مسائل عمومی به تعامل با یکدیگر می‌پردازند (Kooiman, 2015, p).

در ادبیات فارسی نیز نظریه‌پردازی همچون علی فرازمنند بر مفهوم «حکمرانی سالم» تأکید کرده‌اند؛ حکمرانی‌ای که استقلال سیاسی و اقتصادی کشورها را پاس می‌دارد و از سلطه پنهان قدرت‌های جهانی اجتناب می‌ورزد. به باور او حکمرانی خوب هنگامی سالم خواهد بود که نه تنها از شاخص‌هایی چون شفافیت، عدالت، کارآمدی و پاسخ‌گویی برخوردار باشد، بلکه در چارچوب فرهنگ بومی و منافع ملی طراحی شود (Farazmand, 2004, p. 1-23). از سوی دیگر محمد اسدالزمان حکمرانی را مسئولیت بنیادین حکومت‌ها در ایجاد، هدایت و اجرای فعالیت‌هایی برای تحقق اهداف جمعی مردم می‌داند (Asa- duzzaman, 2016. P. 16).

با توجه به این تعاریف می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی مدرن فرایندی پیچیده، چندوجهی و مشارکتی است که طی آن نهادهای دولتی، بخش خصوصی، سازمان‌های

جامعه مدنی و شهروندان به صورت متقابل در فرایندهای سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، اجرا و نظارت مشارکت می‌کنند. حکمرانی مطلوب نه فقط ابزاری اجرایی بلکه نظامی ارزشی، فرهنگی و نهادی است که هدف آن تحقق توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، رفاه عمومی، امنیت انسانی و انسجام اجتماعی است.

فرایند حکمرانی شامل مؤلفه‌هایی نظیر طراحی سیاست‌های عمومی، تنظیم‌گری، ساختارسازی نهادی، سازماندهی منابع و شبکه‌ها، تولید گفتمان‌های مشروع و همچنین ارزیابی و نظارت مستمر است. آن گونه که نظریه پردازان تأکید کرده‌اند، حکمرانی تنها زمانی موفق خواهد بود که بتواند میان منافع متضاد، تعارضات اجتماعی و انتظارات شهروندان تعادل برقرار کند و زمینه‌های گفت‌وگو، اجماع و همکاری جمعی را فراهم سازد (خسروپناه، ۱۴۰۳، ص ۱۷).

در نهایت حکمرانی را باید فراتر از یک سامانه مدیریتی یا فنی نوعی «فلسفه اداره جامعه» دانست که باید در نسبت مستقیم با ارزش‌ها، فرهنگ و هنجارهای هر جامعه تعریف، طراحی و پیاده‌سازی شود. حکمرانی در جوامع اسلامی نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد، بلکه باید مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، عقل جمعی و مصالح امت اسلامی بازتعریف شود تا از یک سو به تحقق عدالت و کرامت انسانی یاری رساند و از سوی دیگر، از کارآمدی، مشروعیت و مقبولیت لازم برخوردار باشد.

ب) حکمرانی مشارکتی

حکمرانی مشارکتی مفهومی بنیادین در اندیشه‌های نوین سیاسی - اجتماعی است که ناظر به بازتعریف رابطه دولت و مردم بر مبنای هم‌افزایی، گفت‌وگو و مشارکت فعال است. در این نوع حکمرانی، تصمیم‌گیری نه تنها در انحصار نهادهای رسمی دولتی باقی نمی‌ماند، بلکه سایر بازیگران (مانند نهادهای مردمی، بخش خصوصی، نخبگان، انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه) نیز در جایگاه عناصر اصلی در طراحی، اجرا و نظارت بر سیاست‌ها نقش آفرینی می‌کنند. آن گونه که اشمیتر بیان می‌کند، حکمرانی مشارکتی مستلزم حضور

همه ذی نفعانی است که تحت تأثیر تصمیمات الزام آور قرار می گیرند؛ حضوری که باید ساختاریافته، مداوم و هدفمند باشد (عبدی و میرباقری، ۱۴۰۱، ص ۶-۷).

مشارکت در این معنا صرفاً به مفهوم حضور در انتخابات یا رأی گیری های رسمی محدود نمی شود، بلکه شامل فرایندهایی از همفکری، هم تصمیمی و هم نظارتی در بسترهای مختلف اجتماعی و فرهنگی نیز هست؛ از این رو برخی این حکمرانی را تلاشی برای حل مسائل عمومی از مسیر تعامل ساختارمند میان نهادهای دولتی و غیر دولتی می دانند (محمدی و دانایی فرد، ۱۳۹۹، ص ۳۰). چنین نگاهی حکمرانی را به پدیده ای چندبعدی و پویا بدل می سازد که پیوندی تنگاتنگ با مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل، مسئولیت جمعی و شفافیت دارد. اما اگر این مفهوم را در چارچوب الگوهای بومی و تمدنی واکاوی کنیم، می توان از تجربه هایی دینی، چون زیارت اربعین، به عنوان مصداق عینی حکمرانی مشارکتی یاد کرد. زیارت اربعین فراتر از آیین مذهبی عرصه ای گسترده برای کنش جمعی داوطلبانه، نظم خودجوش، همکاری بین فرهنگی و مدیریت فراگیر امور زائران است. این آیین مذهبی، که سالانه میلیون ها نفر را بدون سازوکارهای بروکراتیک رسمی گرد هم می آورد، نمونه ای منحصر به فرد از سازماندهی اجتماعی بر پایه اعتماد، ایثار، همدلی و مسئولیت پذیری است.

در بستر زیارت اربعین مؤلفه های حکمرانی مشارکتی (همچون همکاری میان گروه های مردمی، تخصیص منابع بر اساس نیازهای عمومی، مدیریت بحران، همزیستی مسالمت آمیز و نظارت اجتماعی) به گونه ای طبیعی و درون ذاتی می یابد. موبداری، خدمات به زائران، تأمین امنیت جمعی و شکل گیری شبکه های داوطلبانه مصادیقی از مشارکت مؤثر در حکمرانی فرهنگی و دینی است که بدون الزام رسمی بلکه با انگیزه های ایمانی و حس تعلق جمعی محقق می شود.

در نتیجه، حکمرانی مشارکتی اگرچه در نظریه های غربی ناظر به بازسازی نظم مدنی بر پایه دموکراسی مشورتی و جامعه مدنی است، در تجربه هایی چون زیارت اربعین شکل و

محتوایی بومی، دینی و تمدنی می‌یابد که قابلیت الگوبرداری برای طراحی نظام حکمرانی اسلامی را دارد. این الگو نشان می‌دهد که شعائر دینی نه تنها واجد بعد عبادی بلکه حامل ظرفیت‌های گسترده‌ای برای بازتولید نظم اجتماعی و مشارکت مردمی است؛ ظرفیتی که می‌تواند به یکی از منابع الهام‌بخش در بازاندیشی نسبت دین و حکمرانی بدل شود.

۲. ابعاد چهارگانه حکمرانی مشارکتی در زیارت اربعین حسینی

زیارت اربعین نه فقط مناسک دینی بلکه نمود بارزی از حکمرانی مشارکتی مردمی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است. این آیین عظیم با حضور میلیون‌ها زائر از کشورهای گوناگون الگویی منحصر به فرد از همیاری، مسئولیت‌پذیری و نظم داوطلبانه را رقم می‌زند؛ الگویی که در آن مردم بدون تکیه بر ساختارهای رسمی، با تکیه بر ایمان و اخلاق و سرمایه اجتماعی، خدمات‌رسانی، تأمین امنیت، مدیریت منابع و تولید معنا را بر عهده می‌گیرند.

الف) مشارکت اجتماعی در اربعین: شبکه‌های اعتماد، همیاری و تعاون

زیارت اربعین بزرگ‌ترین گردهمایی دینی سالانه در جهان و بستری بدیلی برای شکل‌گیری مشارکت اجتماعی خودجوش و مبتنی بر اعتماد است. این رخداد عظیم با حضور میلیون‌ها زائر از مذاهب، قومیت‌ها، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف از ایران، عراق، پاکستان، افغانستان، کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و حتی کشورهای اروپایی و آفریقایی نمونه‌ای عینی از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی داوطلبانه و فراملی را به نمایش می‌گذارد؛ شبکه‌ای که خود را بدون دخالت مستقیم نهادهای رسمی سامان می‌دهد و در مسیر آن همیاری و تعاون مردمی در بالاترین سطح خود نمایان می‌شود.

در این ساختار مشارکتی، موکب‌ها، که اصلی‌ترین نهادهای اجتماعی مردمی‌اند، نقشی کلیدی در ایجاد اعتماد متقابل ایفا می‌کنند. هزاران موکب، که به همت مردم محلی و مشارکت بین‌المللی در طول مسیر نجف تا کربلا برپا می‌شوند، بدون پشتوانه

بروکراتیک دولتی انواع خدمات رفاهی، تغذیه، بهداشتی، درمانی، فرهنگی و راهنمایی را به زائران ارائه می‌کنند. این خدمات نه از روی الزام بلکه برآمده از ایمان، محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام)، ارزش‌های دینی و روحیه نوع‌دوستی است؛ امری که به تعبیر برخی نویسندگان غربی، تولیدکننده سرمایه اجتماعی از پایین و عامل تقویت پیوندهای اجتماعی در غیاب ساختارهای رسمی است (Putnam, 2000, p.18-20).

روابط در این مناسک بر اعتماد متقابل، مشارکت داوطلبانه، حس وظیفه اخلاقی و تعهد جمعی استوار است. در زیارت اربعین افراد و خانواده‌ها نه صرفاً گروه‌ها یا مؤسسات بسیاری از خدمات را ارائه می‌کنند. نوجوانان و جوانان نیز نقش فعالی در این ساختار مشارکتی دارند. آنان با شور و علاقه در فعالیت‌های موبک‌داری، حمل بار، راهنمایی زائران، توزیع غذا، نظافت مسیر و کمک به سالمندان و کودکان مشارکت می‌کنند. این تجربه زیسته نوعی فرایند آموزش اجتماعی و تقویت کنش جمعی نیز محسوب می‌شود.

هم‌بستگی اجتماعی شکل‌گرفته در این فرایند تنها به سطح خرد جامعه محدود نمی‌ماند. اربعین بستر شکل‌گیری هم‌زیستی میان فرهنگی و گفت‌وگوی تمدنی را نیز فراهم می‌آورد (نیستانی و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۸۷). زائران کشورهای گوناگون کنار هم قرار می‌گیرند، با هم غذا می‌خورند، استراحت می‌کنند، در مجالس سخنرانی و عزاداری شرکت می‌جویند و با زبان‌های مختلف تجربه‌ای مشترک از زیست دینی را رقم می‌زنند. این امر به بازسازی و تقویت روابط ملت‌ها، کاهش تعارضات قومی-فرقه‌ای و شکل‌گیری نوعی «اخوت دینی فراملی» می‌انجامد.

در چنین شرایطی مشارکت اجتماعی در اربعین از سطح خدمات‌رسانی صرف فراتر می‌رود و به بازنمایی نظام اجتماعی مبتنی بر اعتماد، اخلاق و مسئولیت‌پذیری جمعی بدل می‌شود. افراد بدون انتظار سود مادی یا جایگاه اجتماعی منابع خود را به نفع عموم وقف می‌کنند و این فرهنگ وقف‌گرایی و ایثارگری نه از طریق اجبار ساختاری بلکه به صورت نرم و درونی شده در تمام شئون مناسک جاری است. مشارکت‌های اجتماعی در این مسیر

در عین حال الگویی از حکمرانی مشارکتی غیر متمرکز و جامعه محور را عرضه می کنند که ساختار رسمی دولت ها را به چالش می کشد و کارآمدی مردم پایه را نشان می دهد.

در واقع مشارکت اجتماعی در اربعین فرایندی است که در آن مسئولیت اجتماعی، اعتماد نهادی، سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی و تعامل میان فرهنگی به شکل هم افزا عمل می کنند (رمضانی، ۱۳۹۹، ص ۲۷). از آنجا که این مشارکت نه تنها داوطلبانه بلکه متکی بر تعهدات اخلاقی و ایمانی است، ساختارهای مشارکتی در اربعین از پایداری، انسجام و اثربخشی بالاتری برخوردار است. این خصیصه باعث می شود ساختارهای رسمی حتی در دولت های مدرن به دنبال الگوبرداری از ظرفیت های اجتماعی نهفته در این مراسم باشند.

نکته مهم دیگر قدرت ترمیم کنندگی این مشارکت هاست. تجربه هم زیستی مسالمت آمیز و همکاری در طول مسیر پیاده روی زمینه ساز کاهش تنش های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی است و از ظرفیت بالایی در ارتقای گفت و گو و همدلی میان جوامع برخوردار است. حتی در شرایط بحران زده اجتماعی و سیاسی، این الگوی مشارکت می تواند الگویی برای هم زیستی انسانی و وحدت اسلامی ارائه کند.

ب) مشارکت اقتصادی در اربعین: مدل اقتصاد مردمی بدون مداخله دولت

اقتصاد زیارت اربعین یکی از مهم ترین نمادهای مشارکت اقتصادی مردمی در سطح بین المللی است (<https://B2n.ir/rs/7767>) که در آن مردم داوطلبانه و بدون مداخله دولت ها منابع مالی، انسانی و کالایی را برای برگزاری این رویداد مذهبی و فرهنگی بزرگ در اختیار می گذارند. در مقایسه با بسیاری از رویدادهای بین المللی، که عمدتاً با بودجه های دولتی و حمایت های مالی نهادهای بزرگ دولتی و خصوصی همراه است، اربعین پدیده اقتصادی و اجتماعی کاملاً مستقل از مداخله دولت ها شناخته می شود.

این مدل از مشارکت اقتصادی، که به نوعی اقتصاد جهادی و مردمی نامیده می شود، نشان دهنده توانایی جوامع محلی در مدیریت منابع و سازماندهی فعالیت های اقتصادی بدون نیاز به نظارت و دخالت مستقیم دولت هاست. در این رویداد، منابع مالی و غیر مالی

عمدتاً از طریق نذورات، کمک‌های نقدی، کالا و خدمات مردمی تأمین می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مردم عراق، ایران، لبنان، پاکستان و دیگر کشورهای جهان سالانه میلیون‌ها دلار را به صورت نذورات به تأمین نیازهای زائران اختصاص می‌دهند.

مردم و داوطلبان محلی در مسیر زیارتی نجف تا کربلا، هزاران موکب (ایستگاه‌های خدمات‌رسانی) تأسیس می‌کنند و خدمات مختلفی از قبیل اسکان، تغذیه، درمان، حمل‌ونقل و فعالیت‌های فرهنگی را به زائران اربعین ارائه می‌کنند. این خدمات رایگان و بدون چشمداشت اقتصادی و در واقع بر اساس ارزش‌های انسانی و دینی افراد است. موکب‌داران بسیاری از مایحتاج زائران را از محل وقف، صدقات و نذورات مردمی تأمین می‌کنند. این فرایند تنها نیازهای اساسی زائران را برطرف می‌سازد، بلکه باعث تقویت روحیه همکاری و هم‌بستگی میان مسلمانان می‌شود.

مدل اقتصادی اربعین به طور خاص ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر رویدادهای مشابه متمایز می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها غلبه روحیه «مردم‌محوری» است؛ به عبارت دیگر تمام فرایندهای اقتصادی و اجتماعی این رویداد توسط مردم و برای مردم صورت می‌گیرد. دولت‌ها یا نهادهای دولتی هیچ‌گونه دخالتی در تأمین منابع یا سازماندهی این رویداد ندارند. این اقتصاد مشارکتی به طور کامل بر اساس روابط اجتماعی و مذهبی شکل می‌گیرد و از آنجا که نیازی به نظارت دولتی ندارد، مدلی موفق از اقتصاد بدون مداخله دولتی را به نمایش می‌گذارد.

در همین جهت تحلیل‌های میدانی از موکب‌های ایرانی و عراقی نشان می‌دهد که اربعین‌الگوی مؤثر از «اقتصاد جهادی» است. این الگو به طور مؤثری بر مشارکت داوطلبانه و خودجوش مردم برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌کند. نویسندگان این مطالعات معتقدند این مدل اقتصادی می‌تواند یک الگوی مکمل برای توسعه اقتصادی در کشورهای اسلامی، و برای توسعه پایدار اقتصادی در سایر کشورهای اسلامی باشد.

علاوه بر این، اقتصاد زیارت اربعین تأثیرات بسیاری در زمینه‌های دیگر اقتصادی

دارد. این رویداد بزرگ با ایجاد گردش مالی در مقیاس وسیع موجب رونق تجارت محلی و اشتغال‌زایی موقت در مناطق مختلف می‌شود (B2n.ir/rs7767)؛ به‌ویژه در مناطق محروم و فقیر، اربعین فرصتی برای توزیع ثروت و تقویت اقتصاد محلی فراهم می‌آورد. این فعالیت‌های اقتصادی عمدتاً محلی و خودجوش‌اند و با منافع اقتصادی دولت‌ها یا شرکت‌های بزرگ در ارتباط مستقیم نیستند. این ویژگی، اربعین را از بسیاری از رویدادهای مشابه (که معمولاً با بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی و خصوصی همراه‌اند) متمایز می‌کند.

در مقایسه با سایر رویدادهای جهانی، که به‌طور عمده تحت مدیریت دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی هستند، اربعین مدل اقتصادی کاملاً مستقلی ارائه می‌کند که در آن مردمان از هر قومیت و مذهبی با اراده و قصد خود دست به مشارکت می‌زنند. این مشارکت می‌تواند نمونه‌ای برجسته از تحقق مدل اقتصاد مردمی در مقیاس وسیع در نظر گرفته شود که تأثیرات مثبت آن در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به‌وضوح نمایان است.

یکی از نکات جالب توجه در این رویداد این است که هیچ‌گونه نیازی به سرمایه‌گذاری‌های کلان دولتی یا بودجه‌های دولتی نیست. در حالی که معمولاً در سایر رویدادهای بین‌المللی، دولت‌ها باید منابع مالی و انسانی بسیاری را به برگزاری این گونه مراسم اختصاص دهند، در اربعین مردم داوطلبانه منابع مالی و غیر مالی را تأمین می‌کنند و این رویداد را با کمترین دخالت دولت‌ها به صورت مستقل و با سرعتی چشمگیر به انجام می‌رسانند. این ویژگی نشان‌دهنده کارآمدی اقتصادی و اجتماعی مشارکت مردمی در مقیاس جهانی است که می‌تواند الگوی کشورهای در حال توسعه و کشورهای اسلامی باشد.

در نهایت اقتصاد زیارت اربعین نشان‌دهنده شیوه‌ای خاص از تعاملات اقتصادی است که در آن مردم منابع خود را با همیاری و همکاری متقابل برای تحقق هدفی مشترک به کار می‌گیرند. این نوع مشارکت اقتصادی از نظر فلسفی و عملی نمونه‌ای از اقتصاد اسلامی است (B2n.ir/ft4679) که بر اصول همکاری، انصاف و عدالت اجتماعی استوار است و می‌تواند یک مدل اقتصادی مردمی برای سایر جوامع باشد.

ج) مشارکت امنیتی در اربعین: امنیت از پایین به بالا

در شرایطی که عراق در دهه‌های اخیر با چالش‌های شدید امنیتی مواجه بوده است، برگزاری سالانه مراسم اربعین و حضور ده‌ها میلیون زائر در این کشور در فضایی آرام و بدون وقوع حادثه جدی خود نشان‌دهنده الگوی خاص از مشارکت امنیتی مردمی است که می‌تواند مدل موفق‌تری در زمینه امنیت اجتماعی و همکاری مردم در تأمین امنیت باشد. این مشارکت مردمی در تأمین امنیت، که با وجود مشکلات امنیتی در عراق به طور مؤثر عمل می‌کند، به‌ویژه در مقایسه با مدل‌های سنتی و متمرکز تأمین امنیت در سایر نقاط جهان، ویژگی‌ها و ابعاد خاص خود را دارد.

یکی از ویژگی‌های اصلی این مشارکت امنیتی در اربعین حضور فعال مردم به‌عنوان ناظران و حتی عاملان تأمین امنیت است. در حالی که در بسیاری از کشورها تأمین امنیت چنین رویدادهای بزرگی عمدتاً بر عهده نیروهای دولتی و امنیتی است، در اربعین شاهدیم که مردم داوطلبانه و بدون هیچ‌گونه دستور مستقیم از نهادهای دولتی در تأمین امنیت و نظم این رویداد نقش دارند. موکب‌داران، هیئت‌ها، جوانان داوطلب و حتی زائران عادی در رصد تهدیدات امنیتی، کنترل نظم، امداد رسانی و اطلاع‌رسانی نقش فعالی دارند. این مدل مشارکت امنیتی، به‌ویژه در شرایطی که عراق به طور مستمر با تهدیدات امنیتی از جمله تروریسم، حملات گروه‌های تکفیری و دیگر بحران‌های داخلی روبه‌روست، نشان‌دهنده نوع خودجوش و مستقلی از مشارکت مردم در تأمین امنیت است.

این مشارکت امنیتی مردمی در اربعین به طور خاص با شناسایی تهدیدات و خنثی‌سازی بسیاری از خطرات احتمالی به‌دست خود مردم و زائران، تأثیرگذار است. پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد بسیاری از تهدیدات امنیتی در این ایام به همت خود زائران و شبکه‌های مردمی شناسایی، و پیش از آنکه به مشکلی جدی تبدیل شود خنثی می‌شود. این شکل از امنیت (که غیر رسمی و از پایین به بالا شکل می‌گیرد) با مدل‌های سنتی و متمرکز تأمین امنیت (که بر اساس نیروهای دولتی عمل می‌کند) تفاوت‌های

بسیاری دارد. در مدل‌های سنتی، امنیت معمولاً از بالا به پایین هدایت می‌شود و مقامات دولتی تمامی تصمیمات در این زمینه را اتخاذ می‌کنند؛ اما در اربعین، امنیت از پایین به بالا و از طریق مشارکت مردمی تأمین می‌شود.

این نوع «امنیت اجتماعی»، که در اربعین مشاهده می‌شود، برخلاف مدل‌های سنتی به طور مستقیم به همکاری مردم با یکدیگر بستگی دارد. در این الگو مردم در برابر امنیت یکدیگر و امنیت این مناسک مذهبی احساس مسئولیت می‌کنند و این امر به تقویت حس مسئولیت‌پذیری و هم‌بستگی میان آنها می‌انجامد. این حس مسئولیت‌پذیری فراتر از مرزهای ملی و قومی است و به نوعی به امت‌گرایی اسلامی و هم‌بستگی مسلمانان در سراسر جهان اشاره دارد. مردم از کشورهای مختلف بانیت‌های مذهبی و اعتقادی مشترک در حفظ امنیت مراسم اربعین مشارکت می‌کنند و این مشارکت زمینه‌ساز تقویت روابط میان کشورهای مختلف مسلمان و افزایش اعتماد و انسجام در جامعه اسلامی می‌شود.

همچنین گفتنی است چنین مشارکتی در امر تأمین امنیت نه تنها ضریب موفقیت در حفظ نظم و امنیت را بالا می‌برد، بلکه به افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد به نفس جمعی نیز کمک می‌کند؛ به عبارت دیگر زمانی که مردم خود را در حفظ امنیت یک مناسبت مهم مذهبی و اجتماعی مسئول بدانند، نه تنها بیشتر به هم اعتماد می‌کنند، بلکه سرمایه اجتماعی‌شان را در زمینه‌های دیگر زندگی اجتماعی نیز تقویت می‌کنند. این مشارکت مردمی در تأمین امنیت همچنین موجب احساس تعلق جمعی میان مردم و بهبود روابط اجتماعی می‌شود.

در این رویداد همچنین هماهنگی و همکاری میان مردم و نیروهای رسمی امنیتی، نظیر حشد الشعبی (رمضانی، ۱۳۹۷، ص ۸۹ - ۹۰)، و پلیس عراق، نمونه بارز تعامل میان ساختار رسمی و کنشگران غیر رسمی است. این تعامل می‌تواند در چارچوب نظریه حکمرانی مشارکتی تبیین شود. حکمرانی مشارکتی به معنای ایجاد همکاری و هماهنگی میان نهادهای دولتی و مردمی است که در آن تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات اجرایی به صورت

مشترک انجام می‌شود. در اربعین این مدل از حکمرانی مشارکتی، به‌ویژه در حوزه امنیت، به طور مؤثری عمل می‌کند. نیروهای رسمی امنیتی با پشتیبانی و همکاری مردم و شبکه‌های مردمی قادر به تأمین امنیت این رویداد عظیم هستند. این تعامل نشان می‌دهد مشارکت مردم در تأمین امنیت نه تنها از لحاظ عملی مؤثر است، بلکه می‌تواند مدلی از حکمرانی مشارکتی در سطح جهانی باشد.

مشارکت مردمی در امنیت اربعین همچنین نشان‌دهنده این است که امنیت پدیده‌ای کاملاً پیچیده و چندبعدی است که نمی‌تواند صرفاً به اقدامات نیروهای دولتی محدود شود. امنیت در اربعین از مدل متمرکز و دولتی به طور کامل فاصله گرفته و به مدلی خودجوش و مردمی تبدیل شده است که در آن نقش مردم به عنوان تأمین‌کنندگان اصلی امنیت برجسته می‌شود. این الگو می‌تواند مدلی موفق در کشورهایی با بحران‌های امنیتی باشد.

به طور کلی مشارکت امنیتی در اربعین الگویی منحصر به فرد از تأمین امنیت است که به طور کامل بر اساس مشارکت مردمی شکل می‌گیرد. این مدل می‌تواند نمونه‌ای از حکمرانی مشارکتی در عرصه امنیت در کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای اسلامی، باشد. امنیت اربعین نمونه‌ای از «امنیت از پایین به بالا» است که نشان می‌دهد چگونه مردم می‌توانند با همکاری یکدیگر نه تنها تهدیدات امنیتی را شناسایی و خنثی کنند، بلکه فضای امنی برای برگزاری یک رویداد بزرگ مذهبی ایجاد کنند که در آن اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی به اوج می‌رسد.

د) مشارکت فرهنگی در اربعین: بازتولید ارزش‌ها، رسانه مردمی و آموزش هویتی

مراسم اربعین رویداد فرهنگی و دینی عظیمی است که نه تنها به بازخوانی تاریخ و آموزه‌های مذهبی مربوط به قیام عاشورا می‌پردازد، بلکه همچون بستر فرهنگی و تمدن‌ساز برای بازتولید ارزش‌ها و هویت‌های فرهنگی عمل می‌کند. اربعین به طور خاص مجموعه‌ای از آموزه‌های انسانی و اخلاقی از جمله ایثار، محبت، مبارزه با ظلم، تواضع، برادری و هم‌بستگی را میان ملت‌ها و اقوام مختلف بازتولید می‌کند. این رویداد مذهبی فراتر از

مناسک دینی به حرکتی فرهنگی تبدیل شده که در آن مردم از سراسر جهان با مشارکت فعال به بازسازی و تقویت هویت خود و جامعه جهانی می‌پردازند.

یکی از ویژگی‌های مهم اربعین این است که مجموعه‌ای از فرایندهای فرهنگی را در قالب‌های مختلف و با هدف ترویج و ارتقای ارزش‌های انسانی و دینی ارائه می‌کند. در این روزها هزاران موكب فرهنگی، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های سرود، نمایش‌ها و تئاترهای خیابانی، جلسات سخنرانی و مراسم عزاداری به طور گسترده در سراسر مسیر زیارت از نجف تا کربلا برگزار می‌شود. این برنامه‌ها همگی با هدف ارتقای معنویت و اخلاق و ترویج پیام عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام طراحی شده‌اند.

در این فضا می‌توان مشاهده کرد که هر زائر به نوعی خود به رسانه‌ای فرهنگی تبدیل می‌شود. پیام‌های فرهنگی، دینی و اخلاقی از طریق زبان بدن، لباس‌ها، تصاویر، شعارها، پوسترها و رسانه‌های اجتماعی منتشر، و در سطح جهانی به اشتراک گذاشته می‌شود. این پیام‌ها اغلب با مضامین مقاومت، آزادی خواهی، مبارزه با ظلم و استکبار و عدالت اجتماعی همراه است. به این ترتیب اربعین به رسانه فرهنگی زنده‌ای تبدیل می‌شود که پیام‌های عاشورا و قیام امام حسین را در بستر زمان و مکان گسترده‌ای به جامعه جهانی منتقل می‌کند. یکی از ابعاد برجسته این رسانه فرهنگی نحوه بازتولید هویت شیعی و اسلامی نه تنها در سطح محلی بلکه در سطح جهانی است. این بازتولید هویت، به ویژه در زمینه مقابله با گفتمان‌های سلطه‌گرایانه و استعماری جهانی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. پیام‌های اربعین، که عمدتاً بر پایه مقاومت در برابر ظلم است، گفتمانی ضد استکباری در برابر نظام‌های سلطه‌گرای جهانی شناخته می‌شود (پورامینی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۹).

در این رویداد عظیم، هر زائر با مشاهده و مشارکت در برنامه‌های مختلف فرهنگی به پیام‌رسانده‌ای تبدیل می‌شود که پیام‌ها را از طریق رسانه‌های اجتماعی، تصاویر و شعارهای مختلف به نقاط مختلف جهان منتقل می‌کند. این بازتولید هویت از طریق فعالیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای صورت می‌گیرد و می‌تواند استراتژی مقابله با گفتمان‌های

سلطه‌گرایانه و استعمارگرای جهانی و همچنین تقویت هویت اسلامی و شیعی در سطح جهانی محسوب شود.

یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی در اربعین آموزش هویتی و اخلاقی به نسل‌های آینده است. در موبک‌ها و در مسیر زیارت، کودکان، نوجوانان و جوانان این مراسم با مفاهیم اساسی‌ای چون تعاون، نظم، ادب، خلوص نیت و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام آشنا می‌شوند. آموزش عملی این مفاهیم به نسل جدید در کنار تجربیات معنوی‌ای که در این رویداد به دست می‌آورند، می‌تواند همچون تربیت فرهنگی و دینی تأثیرگذاری عمل کند. این آموزش‌ها نه تنها در جهت بازتولید فرهنگی اند، بلکه می‌توانند پایه‌گذار تربیت نسل آینده در بستر دینی و اخلاقی باشند.

در این زمینه اربعین نه تنها رویدادی دینی بلکه فرایندی تربیتی و فرهنگی است که در آن نسل جوان می‌آموزد چگونه در کنار هم زندگی کنند، چگونه در برابر ظلم بایستند و چگونه در دنیای امروز با تاسی به آموزه‌های دینی و اخلاقی به مبارزه با فساد و فساد اجتماعی پردازند. این فرایند، به ویژه در شرایطی که بسیاری از جوانان امروز با چالش‌های هویتی و فرهنگی روبه‌رو هستند، می‌تواند نقشی مهم در هدایت آنان به سمت هویت اسلامی و انسانی پایدار ایفا کند.

در نهایت پیاده‌روی اربعین با حضور هنرمندان، شاعران، نویسندگان و تولیدات خلاقانه رسانه‌ای بستری برای دیپلماسی فرهنگی فراهم می‌آورد که می‌تواند در تقویت گفت‌وگوی تمدن‌ها و مبارزه نرم با گفتمان‌های سلطه‌گرایانه جهانی مؤثر باشد. هنرمندان و تولیدکنندگان رسانه‌ای با خلق آثار فرهنگی و هنری متناسب با ارزش‌های عاشورا علاوه بر تأثیرگذاری بر هویت فرهنگی مردم مسلمان زمینه‌ساز ارتباطات فرهنگی و گفت‌وگوی تمدنی با دیگر فرهنگ‌ها و جوامع نیز هستند. این فعالیت‌ها در عین حال که به حفظ و بازسازی هویت فرهنگی و دینی مسلمانان کمک می‌کند فرصتی برای گسترش دیپلماسی فرهنگی در سطح جهانی فراهم می‌آورد (همان، ص ۱۴۴).

در این مسیر اربعین می‌تواند یک استراتژی فرهنگی باشد که هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی، برای تقویت هویت اسلامی، شیعی و ضد استکباری به کار گرفته شود. با رسانه‌های مختلف (از جمله رسانه‌های اجتماعی، تصاویر، شعارها و تولیدات هنری) پیام عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام می‌تواند در سراسر جهان منتشر شود و هم‌بستگی مسلمانان را در برابر تهدیدات فرهنگی و سیاسی مختلف تقویت کند.

بنابراین مشارکت فرهنگی در اربعین فرایند بازتولید فرهنگی و تربیت هویتی است که نه تنها به ارتقای هویت اسلامی و شیعی در سطح جهانی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز دیپلماسی فرهنگی مؤثر و گفت‌وگوی تمدن‌ها نیز می‌شود. این فرایند از طریق رسانه‌ها، هنر و تولیدات فرهنگی پیام‌های عاشورا را به جهانیان منتقل می‌کند و فرصتی برای مقابله با گفتمان‌های سلطه‌گرایانه و استعماری فراهم می‌آورد.

۳. اربعین: الگوی حکمرانی اسلامی

الف) ظرفیت الگوسازی برای حکمرانی اسلامی

زیارت اربعین یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های بشری در جهان امروز است که رخداد عبادی یا مذهبی صرف نیست، بلکه صحنه‌ای واقعی برای تبلور ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تمدنی امت اسلامی است. در این رخداد عظیم میلیون‌ها نفر از ملیت‌ها، قومیت‌ها و مذاهب مختلف بدون وجود ساختارهای رسمی حکومتی، با نظمی کم‌نظیر و در فضایی سرشار از اعتماد، محبت و مسئولیت‌پذیری کنار یکدیگر حرکت می‌کنند. این تجربه میدانی، به‌ویژه از منظر حکمرانی اسلامی، می‌تواند مدلی الهام‌بخش برای طراحی نظامات حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد. (<https://B2n.ir/eb8629>)

تجربه اربعین نشان می‌دهد که حکمرانی می‌تواند بر پایه‌هایی چون محبت، ایمان، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت داوطلبانه استوار باشد، نه صرفاً بر اقتدار رسمی، قوانین سخت‌گیرانه و نهادهای بروکراتیک. در اربعین، مدیریت امور نه از بالا به پایین بلکه

از درون مردم و از طریق تعاملات اجتماعی مبتنی بر ارادت به اهل بیت علیهم السلام و آرمان‌های حسینی است. این نوع حکمرانی در واقع تبلور عملی آموزه‌هایی از جمله اصل شورا، تعاون، امر به معروف و حفظ کرامت انسان است که در منابع اسلامی بر آن تأکید شده است.

اصل شورا، که در قرآن کریم با عبارت **﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾** (شوری: ۳۸) مطرح شده، به وضوح در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و سازمان‌یافتگی مردمی در ایام اربعین قابل مشاهده است. هزاران موکب، که به همت گروه‌های مردمی راه‌اندازی می‌شود، بدون صدور دستور از مرکز و بدون وجود مرجع اقتدار رسمی به نحوی منسجم و هدفمند عمل می‌کنند. این نظم خودجوش حاصل گفت‌وگو، تعامل، تقسیم وظایف و هماهنگی مشارکتی میان مردم است؛ الگویی که با اصول حکمرانی مشارکتی جدید نیز همخوانی دارد.

از سوی دیگر مفهوم تعاون در آیه **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ﴾** (مائده: ۲) نیز در عمل تجسم می‌یابد. آنچه در مسیر پیاده‌روی اربعین اتفاق می‌افتد شبکه‌ای از خدمات عمومی داوطلبانه است که مردم بدون انتظار پاداش مادی به زائران ارائه می‌دهند. این همکاری گسترده در سطوح مختلف - از تغذیه و اسکان گرفته تا امور پزشکی و فرهنگی - ساختار بدیل حکمرانی اجتماعی را نمایش می‌دهد که در آن خدمت‌رسانی بر پایه اراده اخلاقی و دینی سامان می‌یابد.

کرامت انسانی نیز بنیانی دیگر از حکمرانی اسلامی است که در فضای اربعین مشهود است. میزبانان و موکب‌داران با نهایت احترام و محبت از زائران پذیرایی می‌کنند، بدون اینکه انتظار مالی یا جایگاه اجتماعی خاصی داشته باشند (<https://B2n.ir/he4853>). در این محیط همه افراد صرف نظر از طبقه، قومیت یا تابعیت به عنوان زائر حسین علیه السلام دارای منزلت یکسان‌اند و این برابری بر شکوه و معنویت مناسک می‌افزاید. در واقع حکمرانی در اینجا نه با ابزار قانون و اقتدار، بلکه با فضیلت‌های اخلاقی و انسانی صورت می‌پذیرد.

اعتماد اجتماعی عنصر کلیدی دیگری است که در زیارت اربعین به سطحی کم‌نظیر می‌رسد. میلیون‌ها نفر از سراسر جهان بدون ترس از سرقت، خشونت یا بی‌نظمی به سفر

می‌روند و با اطمینان خاطر در خانه‌های مردم، موکب‌ها یا حتی کنار خیابان‌ها اسکان می‌یابند. این سطح از اعتماد نه تنها شاخصی از سرمایه اجتماعی شیعی است، بلکه نشان می‌دهد امکان تحقق امنیت عمومی از طریق مشارکت و تعهد اخلاقی شهروندان وجود دارد. این وضعیت می‌تواند در طراحی الگوهای جدید حکمرانی بومی و فرهنگی به کار گرفته شود.

مسئله داوطلبی نیز یکی از بنیان‌های حکمرانی در تجربه اربعین است. بر خلاف بسیاری از نظام‌های حکمرانی، که فعالیت‌های داوطلبانه را مکمل نظام اداری تلقی می‌کنند، در زیارت اربعین اساس مدیریت بر دوش داوطلبان مردمی است. این داوطلبان بدون هیچ الزام قانونی و بلکه صرفاً با انگیزه معنوی شبکه‌های خدماتی متنوعی را ایجاد و اداره می‌کنند. این ظرفیت عظیم اگر به درستی تحلیل و ساماندهی شود، می‌تواند در مدیریت بحران‌ها، ارائه خدمات اجتماعی و توسعه پایدار به کار گرفته شود.

ویژگی مهم دیگر تجربه اربعین قدرت وحدت‌آفرینی آن است. با وجود تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی و حتی طبقاتی، مشارکت در این مناسک زمینه‌ای برای شکل‌گیری حس مشترک «امت واحده» فراهم می‌سازد (پورامینی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۵). اربعین صرفاً اجتماعی شیعی نیست، بلکه ظرفیت بین‌المللی برای هم‌افزایی معنوی و تمدنی دارد. حضور اهل سنت، مسیحیان و حتی غیرمسلمانانی که از جنبه انسانی با آرمان حسین علیه السلام همراه می‌شوند مؤید این ظرفیت وحدت‌بخش است. در چنین بستری مفاهیمی چون امت اسلامی، برادری انسانی و هم‌سرنوشتی اخلاقی نه در شعار بلکه در عمل تحقق می‌یابد.

بر این اساس زیارت اربعین را می‌توان میدانی تجربی برای تمرین حکمرانی اسلامی دانست؛ حکمرانی‌ای که نه بر مبنای اجبار و کنترل بلکه بر پایه ارزش‌های توحیدی، اخلاق نبوی و محبت حسینی شکل می‌گیرد. مردم در آن به جای مصرف‌کننده خدمات کنشگرانی فعال و مسئول‌اند. این الگو می‌تواند الهام‌بخش بازطراحی نظامات اجتماعی و مدیریتی در جوامع اسلامی باشد؛ نظاماتی که با تکیه بر ظرفیت‌های مردمی، فضایل اخلاقی

و آموزه‌های دینی به سوی توسعه عدالت محور، مشارکت‌گرا و معنویت‌مدار حرکت می‌کنند. به تعبیر دیگر اربعین نه تنها آیینی مذهبی، بلکه الگویی برای حکمرانی غیر متمرکز، اخلاقی، مشارکتی و مردم‌پایه در بستر تمدن اسلامی است. نگاهی نو به این پدیده می‌تواند در طراحی سیاست‌های عمومی و حکمرانی فرهنگی در کشورهای اسلامی تحولی بنیادین ایجاد کند.

ب) توصیه‌های راهبردی

با توجه به ظرفیت‌های منحصر به فرد زیارت اربعین در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی می‌توان پیشنهادهایی راهبردی برای بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها به منظور طراحی الگوی حکمرانی اسلامی ارائه کرد. این پیشنهادها ناظر بر نهادسازی، فرهنگ‌سازی، الگوگیری نهادی و سازمانی و فعال‌سازی پتانسیل‌های معنوی جامعه اسلامی است. چنین الگویی نه تنها به لحاظ نظری بلکه از حیث تجربی نیز قابل پیاده‌سازی است و می‌تواند بنیان‌های حکمرانی دینی و مردمی را تحکیم بخشد.

نخستین توصیه راهبردی تقویت نهادهای مردمی با الهام از ساختار موبک‌هاست. ساختار موبک‌ها در زیارت اربعین نمونه‌ای از نهاد خودجوش، داوطلبانه و مردم‌پایه است که بدون اتکا به ساختارهای رسمی حکومتی قادر است طیفی وسیع از خدمات رفاهی، درمانی، تغذیه‌ای، امنیتی و حتی فرهنگی را به میلیون‌ها زائر ارائه کند. این نهادهای مردمی معمولاً از دل جوامع محلی، عشایر، هیئات مذهبی، مساجد، خانواده‌ها و قشرهای مختلف جامعه شکل می‌گیرند و بر پایه حس مسئولیت اجتماعی و ایمان دینی انسجام و کارآمدی مثال‌زدنی‌ای از خود نشان می‌دهند. الگوبرداری از این ساختار در عرصه حکمرانی می‌تواند به شکل‌گیری شوراهای مردمی، کمیته‌های محلی، هیئات تسهیل‌گر اجتماعی و سایر قالب‌های مشارکت محور منتهی شود. دولت‌ها می‌توانند با تسهیل‌گری، تدوین چارچوب‌های حمایتی و قانونی و پرهیز از مداخله‌های بروکراتیک زمینه‌باندگی این نهادها را در دیگر عرصه‌های عمومی از جمله آموزش، سلامت، محیط زیست، امداد

و مدیریت شهری فراهم آورند.

دومین توصیه آموزش اعتمادسازی اجتماعی مبتنی بر فرهنگ اربعین است. زیارت اربعین یکی از نادرترین میدان‌های اجتماعی است که در آن میلیون‌ها انسان از ملیت‌ها، اقوام، مذاهب و طبقات مختلف، بدون وجود نظام کنترلی رسمی، با حداقلی‌ترین تعارضات و بیشترین سطح همکاری و همدلی کنار یکدیگر زندگی و حرکت می‌کنند. این تجربه حاکی از وجود سرمایه اجتماعی عظیمی است که بر اعتماد متقابل، همدلی ایمانی و ارزش‌های مشترک دینی بنا شده است. از این تجربه می‌توان برای آموزش مفاهیمی چون اعتماد عمومی، مسئولیت‌پذیری، صداقت نهادی و احترام متقابل در سطوح گوناگون اجتماعی بهره گرفت. آموزش و پرورش رسمی، رسانه‌ها، خطبه‌های جمعه و نهادهای فرهنگی می‌توانند این فرهنگ را ترویج کنند و از الگوی زیارت اربعین در جهت ترمیم شکاف‌های اجتماعی، احیای سرمایه اجتماعی و کاهش بی‌اعتمادی میان مردم و نهادهای حکمرانی بهره‌گیرند. اعتمادسازی نه از بالا به پایین بلکه از طریق کنش‌های مردمی، مشارکت اجتماعی و تعاملات چهره‌به‌چهره تقویت می‌شود؛ همان‌گونه که در فضای اربعین اتفاق می‌افتد.

سومین پیشنهاد طراحی نظام داوطلبی سازمان یافته در بحران‌ها، همچون اپیدمی کرونا، با الگوی اربعین است. یکی از ویژگی‌های شاخص زیارت اربعین حضور داوطلبانه هزاران نفر در عرصه‌های خدماتی، امنیتی، پزشکی، اطلاع‌رسانی و امداد است. این داوطلبان بدون دریافت هیچ مزد مادی بلکه تنها بر اساس عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و حس مسئولیت دینی در خدمت زائران قرار می‌گیرند. این تجربه قابل‌تعمیم به سایر حوزه‌ها به‌ویژه مدیریت بحران‌های طبیعی، حوادث غیر مترقبه، اپیدمی‌ها، جنگ و بحران‌های اجتماعی است. طراحی نظام داوطلبی ملی با الهام از تجربه اربعین مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای شناسایی نیروهای داوطلب، آموزش مهارت‌های اولیه امدادی و مدیریتی، سازماندهی محلی و ارتباط با نهادهای رسمی در مواقع اضطراری است. همچنین می‌توان سامانه‌ای

برای ثبت نام و سازماندهی داوطلبان طراحی کرد که در مواقع بحران فوراً بتوان از آنان استفاده کرد. این نظام می تواند به انسجام اجتماعی و مسئولیت پذیری عمومی دامن بزند و بار نهادهای رسمی را در شرایط بحرانی کاهش دهد.

چهارمین توصیه استفاده از ظرفیت رهبری معنوی در بسیج اجتماعی است. تجربه اربعین نشان می دهد که نقش مرجعیت دینی و رهبری معنوی نقش بی بدیلی در شکل دهی به هم بستگی اجتماعی بزرگ دارد. هنگامی که مراجع تقلید و رهبران دینی پیاده روی اربعین را توصیه ای دینی و مستحب مؤکد می شمارند میلیون ها نفر از قشرهای مختلف جامعه با انگیزه دینی و عشق به امام حسین علیه السلام در آن شرکت می کنند. این ظرفیت معنوی می تواند در مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی زیست محیطی نیز به کار گرفته شود؛ به عبارت دیگر رهبری دینی می تواند نقشی محوری در هدایت جامعه به سمت رفتارهای مسئولانه و ارزش محور مانند مصرف مسئولانه، حمایت از تولید داخلی، مشارکت در آموزش یا مقابله با فساد ایفا کند. سیاست گذاران باید این سرمایه نرم را به رسمیت بشناسند و از آن در چارچوب همکاری و هم افزایی بهره گیرند؛ نه آنکه آن را به رقابت یا انحصار بکشانند.

در جمع بندی می توان گفت زیارت اربعین صرفاً مناسکی عبادی نیست، بلکه مجموعه ای از الگوهای کاربردی برای حکمرانی اسلامی را در خود نهفته دارد. این الگوها برخاسته از بطن مردم، دین محور و داوطلبانه اند و از این رو با روح حکمرانی اسلامی که بر شورا، کرامت، عدالت و مسئولیت پذیری استوار است، کاملاً سازگارند. توصیه های راهبردی مطرح شده در این بخش نشان می دهد که چگونه می توان تجربه زیسته اربعین را به سیاست گذاری های کلان در زمینه حکمرانی اسلامی تعمیم داد. بی تردید تحقق این چشم انداز نیازمند نگاهی تمدنی به مناسک دینی، تقویت زیرساخت های مشارکت اجتماعی و اعتماد به قدرت مردم در ساماندهی امور عمومی است؛ همان نگاهی که در تجربه اربعین به روشنی قابل مشاهده است.

نتیجه‌گیری

زیارت اربعین، یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان، تنها آیینی عبادی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با ظرفیت‌های عمیق در زمینه حکمرانی مشارکتی به شمار می‌آید. در این پژوهش تلاش کردیم نشان دهیم که چگونه این رخداد عظیم الگویی منحصر به فرد از حکمرانی اسلامی مبتنی بر مشارکت مردم، هم‌بستگی اجتماعی، تعاون و مسئولیت‌پذیری جمعی ارائه می‌کند. برخلاف ساختارهای رایج حکمرانی، که بر بروکراسی و تمرکز قدرت و هرم تصمیم‌گیری رسمی استوارند، زیارت اربعین جلوه‌ای از حکمرانی مردمی، شبکه‌ای و داوطلبانه را به نمایش می‌گذارد که در آن مردم نه تنها مخاطب سیاست‌ها بلکه فاعلان و مجریان مستقیم آن‌اند.

مؤلفه‌های حکمرانی مشارکتی همچون مسئولیت‌پذیری عمومی، ابتکارهای مردمی، شفافیت، اعتماد اجتماعی و مشارکت فراگیر در زیارت اربعین نمود برجسته‌ای دارد. این زیارت با تکیه بر ارزش‌های ایمانی و اخلاقی نوعی سرمایه اجتماعی عظیم خلق می‌کند که در بطن آن تعاون، ایثار، همیاری و عشق به دیگری موج می‌زند. در ساختار اجرایی و خدمات‌رسانی به زائران هیچ نهاد متمرکز رسمی فرماندهی مشاهده نمی‌شود، بلکه شبکه‌ای از هیئات، موکب‌ها، گروه‌های داوطلب مردمی و نهادهای دینی با هماهنگی درون‌زا به ایفای نقش می‌پردازند. این تجربه نه تنها از منظر دینی بلکه از دیدگاه نظریه‌های جدید حکمرانی نیز درخور تأمل و الهام‌بخش است.

اربعین‌الگوی حکمرانی اسلامی است که ظرفیت‌های مهمی برای بازاندیشی در شیوه‌های سنتی حکمرانی در جوامع اسلامی دارد. این الگو نشان می‌دهد که پیوند میان معنویت، مشارکت مردمی و ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به خلق نظام‌هایی کارآمد، عادلانه و مورد قبول مردم منجر شود؛ نظام‌هایی که در آن مردم به جای تمکین صرف در فرایندهای تصمیم‌سازی و اجرا سهیم‌اند. تجربه اربعین همچنین گواهی بر امکان تلفیق ارزش‌های اسلامی با اصول مدرن حکمرانی چون مشارکت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و عدالت اجتماعی است.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که زیارت اربعین صرفاً آیینی مذهبی نیست، بلکه الگویی زنده از حکمرانی مشارکتی اسلامی است که ظرفیت انتقال و بومی‌سازی در دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی را دارد. بازخوانی این الگو می‌تواند به توسعه الگوهای بدیل حکمرانی کمک کند؛ الگوهایی که ریشه در فرهنگ، ایمان و تجربیات عینی مردم دارند و می‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای امروزین جوامع مسلمان در مسیر عدالت، پیشرفت و هم‌بستگی باشند.

منابع

* قرآن کریم.

۱. پورامینی، محمدحسین (۱۴۰۲)، «دیپلماسی زیارت و نقش آن در تقویت هم‌بستگی و همگرایی جهان اسلام»، فصلنامه فرهنگ زیارت، س ۱۳، ش ۵۳.
۲. خسروپناه دزفولی، عبدالحسین (۱۴۰۳)، «نظریه حکمرانی مدرن، ولایی و حکمی بر اساس ادبیات معاصر، هوش مصنوعی و سوره مائده»، راهبرد فرهنگ، ش ۶۵.
۳. رضوانی تمیجانی، صدیقه (۱۳۹۹)، «بررسی ابعاد و اجزای ذهنی مشارکت جمعی در پیاده‌روی اربعین»، دین و ارتباطات، ش ۲۷.
۴. رضوانی، محمدجواد (۱۳۹۷)، «راهبردهای بومی‌سازی امنیت در مراسم اربعین مبتنی بر تجربیات بسیج مردمی»، نامه فرهنگ و ارتباطات، س ۳، ش ۱ (پیاپی ۵).
۵. عبدی، اسماعیل و میرباقری، سیدمحسن (۱۴۰۱)، مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی، گروه نظام‌ها و مدل‌های حکمرانی، مطالعات بنیادین حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. محمدی، نعیمه و حسن دانایی فرد (۱۳۹۹)، «الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه‌انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی.
۷. نیستانی، غلامعلی؛ پوریانی، محمدحسین و اژدری، حسین (۱۴۰۲)، «تحلیلی جامعه‌شناختی بر کارکردهای تمدنی راهپیمایی اربعین امام حسین (علیه‌السلام)»، علم و تمدن در اسلام، ش ۱۵.
8. Farazmand, Ali (2004), Sound Governance: Policy and Administrative Innovations, Greenwood Publishing Group.

9. Klijn, E. H. & Koppenjan, J. (2015), Governance Networks in the Public Sector, Routledge.
10. Peters, B., Pierre, J., Sorensen, E. & Torfing, J. (2022), Foundations for Thinking About Governance. Edward Elgar Publishing.
11. Putnam, R. D. (2000), Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, New York, NY: Simon and Schuster.

منابع اینترنتی

12. <https://B2n.ir/rs7767>
13. <https://B2n.ir/ft4679>
14. <https://B2n.ir/eb8629>
15. <https://B2n.ir/he4853>

